یادداشت

اقتصاد در تله سیاست

ادامه از صفحه اول

یکی از مهم‌ترین مسیرهای اثرگذاری، تعیین قواعد حقوقی و اجرائی است؛ جایی که قوای سه‌گانه مجلس، دولت و دستگاه قضائی اعمال قدرت می‌کنند و چارچوبی برای فعالیت اقتصادی تدوین می‌کنند. آنان با تصویب و اجرای قوانین مالیاتی، مقررات بانکی، حقوق مالکیت، قوانین کار و تجارت، و مقررات کیفری، ریل‌گذاری اقتصادی را انجام می‌دهند. در این مجموعه، مشخص می‌شود چه کسی یا گروهی می‌تواند سرمایه‌گذاری کند، چگونه رقابت شکل می‌گیرد و چه ضمانت‌هایی برای حقوق اقتصادی وجود دارد.

برای نمونه، تدوین قوانین شفاف و ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد، زمینه‌ای مناسب برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی فراهم می‌کند. قوانین مالیاتی نیز به فعالان اقتصادی علامت‌دهی می‌کنند؛ اما گستره و جهت معافیت‌های مالیاتی، اگر تابع ساختار قدرت و نظام دسترسی محدود باشد، موجب تبعیض میان فعالان اقتصادی شده و رقابت را از بین می‌برد. تفاوت فشار مالیاتی بر بخش مولد و غیرمولد نیز اقتصاد را به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق داده و موجب گسترش مشاغل دلالی می‌شود.

از دیگر مصادیق اثرگذاری، اعطای امتیازات و انحصارات است. امتیاز واردات یا صادرات انحصاری، رقابت، نوآوری و خلاقیت را نابود کرده، رشد اقتصادی را محدود و سطح رفاه عمومی را کاهش می‌دهد. تجربه تاریخی انگلستان در قرن هفدهم گواهی روشن است: بیش از ۷۰۰ امتیاز انحصاری به گروه‌های خاص اعطا شده بود که موجب شکل‌گیری رانت، کاهش انگیزه نوآوری و محدودشدن رشد اقتصادی شد. علت اصلی، تمرکز قدرت در دست شاه بود. پس از محدود شدن قدرت سلطنت و شکل‌گیری مجلس، بخش مهمی از این امتیازات لغو شد، فضای اقتصادی رقابتی‌تر شد و در نتیجه، اختراعات بشری به طور چشمگیری افزایش یافت.

در ایران نیز قوانینی با هدف بهبود عملکرد اقتصادی تدوین شده‌اند؛ ازجمله قانون مالیات بر ارزش افزوده، قانون بهبود فضای کسب‌وکار، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قانون حمایت از تولید دانش‌بنیان. با این حال، این قوانین به دلایلی مانند نبود ضمانت اجرائی مؤثر، تعارض منافع در نهادهای اجرائی، تورم و پراکندگی قوانین، ضعف‌های آشکار در قانون‌گذاری و ناهماهنگی میان نهادهای رسمی و غیررسمی، کارکرد موفقی نداشته‌اند و در عمل با مشکلات جدی مواجه شده‌اند.

یکی از موانع مهم، انبوه اسناد بالادستی است که در هیچ کجای دنیا مشابه آن دیده نمی‌شود. این حجم از اسناد، نه‌تنها موجب سردرگمی در اجرا شده، بلکه امکان ارزیابی و اصلاح را نیز از میان برده است. ازاین‌رو بررسی علل ناکارآمدی قوانین موجود، بازخوانی قوانین با جهت‌گیری تولیدمحور، ایجاد فضای رقابت، و تدوین مقررات شفاف ازجمله اقدامات ضروری است.

اما یک نکته چالش‌برانگیز و کمتر مورد توجه، وجود قوانینی است که اساسا با هدف اجرا تدوین نمی‌شوند. این قوانین مرده به دنیا می‌آیند؛ همه بر ناکارآمدی آنها اتفاق نظر دارند، اما قانون‌گذار همچنان آنها را تصویب می‌کند. قانون فرزندآوری، تکرار شعار رشد هشت‌درصدی یا وعده افزایش صادرات ازجمله این موارد است. چرا چنین قوانینی تصویب می‌شوند؟ پاسخ را باید در ساختار نظام تصمیم گیری کشور جست‌وجو کرد؛ جایی که قانون‌گذاری گاه نه برای حل مسئله، بلکه برای نمایش قدرت یا پاسخ‌گویی صوری به مطالبات عمومی یا راضی نگه‌داشتن گروهی خاص انجام می‌شود.

جامعه بی‌ترازو

ادامه از صفحه اول

اما بخشی دیگر از مردم، کم یا زیاد، این مراسم عروسی را امری ساده و معمولی تلقی می‌کنند.

کدام قضاوت و داوری درست است؟

پاسخ به این سؤال در قلمرو اخلاق عمومی و اخلاق سیاسی قرار می‌گیرد که بسیار مهم‌تر از مسائل حقوقی‌اند. کانون این موضوع کسی است که سال‌های طولانی در بالاترین سطوح قدرت حضور داشته و مرجع تصمیمات مهمی در کشور نیز بوده است. رفتار و گفتار چنین کسی در چنین موقعیتی از قدرت در عرصه عمومی آثاری عمیق دارد.

هر جامعه نیازمند سلسله‌ای از هنجارها و ارزش‌های مسلط است که هم صاحبان قدرت و هم اکثریت جامعه به آن ارزش‌ها پایبند بوده و خود را به آن ملتزم بدانند. اخلاق بیش از قانون موجب پیوند اجتماعی و نزدیکی نظام سیاسی و ملت است. یک نخ تسبیح است که اگر باشد، دانه‌ها منظم در ردیف هم قرار می‌گیرند، اگر نباشد همه دانه‌ها به سویی می‌افتند و پریشان و آشفته می‌شوند.

اخلاق ترازویی به دست می‌دهد که با آن خوب و بد هر چیز را بسنجیم و فهم کنیم، مشروط بر آنکه این ترازو برای همه یکسان باشد. اگر سنگ ترازوی هرکس با دیگری فرق داشته باشد، قضاوت‌های اخلاقی هم از هم فاصله می‌گیرند و متضاد می‌شوند. یکی می‌گوید فلان کار خوب بوده، دیگری می‌گوید بد بوده است.

جامعه ایران با کدام ترازو باید عروسی دختر شمخانی و خیلی خبرهای مربوط به صاحبان قدرت را داوری کند؟ نظام سیاسی و صاحبان قدرت باید چگونه با این موضوع برخورد کنند؟

موارد متعددی بوده که در موضوعات مختلف برخوردهای دوگانه و چندگانه شکل گرفته است؛ از موضع سیاسی فرزندان مقامات که به مخالفت با جمهوری اسلامی رسیدند تا پرونده اراضی ازگل، یا موضوع سیسمونی‌گیت، یا اقامت فرزندان برخی شخصیت‌های سیاسی در خارج از کشور و خیلی اخبار دیگر نمونه‌هایی از این دست وقایع‌اند.

این اخبار با واکنش‌های منفی بخش زیادی از مردم و تحلیلگران روبه‌رو شد، اما مسئولان امر و همفکران سیاسی با این موضوعات به سادگی برخورد کردند و با معیار اخلاقی و هنجاری متفاوت از آنها به سادگی گذشتند. نظام سیاسی می‌تواند به اتکای قدرت، موضوعی را بزرگ‌تر از واقعیت یا کوچک‌تر از آن نشان دهد.

چندگانگی معیارها و هنجارها وقتی گسترده باشد، عملا به بی‌هنجاری و بی‌معیاری می‌انجامد.

وقتی ترازو یک بار یک کیلو را صد گرم نشان دهد، بار دیگر یک کیلو را ۱۰ کیلو نشان بدهد، در واقع اصلا ترازویی وجود ندارد. ترازو وقتی وجود دارد که وزن واقعی را تعیین کند.

حقوق و اخلاق هنجارها و معیارها را بیان می‌کنند. نظم حقوقی در ایران به دلیل رفتار نظام سیاسی مدت‌هاست که دچار اختلال عمیق شده و قادر به تثبیت هنجارها نیست. اخلاق اما به دلیل وابسته‌بودن به عرف‌ها و باورهای عمومی کمتر دچار چنین آسیبی شده است. اگر در حقوق زور نظام سیاسی می‌تواند غالب باشد ولی در اخلاق این باور عمومی است که غلبه می‌کند. اما چندپارگی معیارها در عمل ترازوها را از کار می‌اندازد و جز سردرگمی و سرگشتگی عمومی حاصلی ندارد.

لاپاز پس از رهایی از ۲ دهه سوسیالیسم، مسیر تازه‌ای در سیاست و اقتصاد می‌گشاید

چرخش به راست بولیوی

شرق: بر فراز لاپاز، پایتخت مرتفع و نفس‌گیر بولیوی، برجی ۲۹طبقه با نمایی شیشه‌ای و درخشان می‌درخشد؛ کاخ ریاست‌جمهوری‌ای که در سال ۲۰۱۸ به دستور اوو مورالس و با هزینه‌ای معادل ۲۵ میلیون پوند ساخته شد. مورالس آن را «خانه بزرگ مردم» نامید، اما اکنون این برج با سالن ورزشی لوکس، اسپا و آسانسور اختصاصی، نمادی است از فاصله میان شعارهای عدالت‌طلبانه و واقعیت فقر و فروپاشی اقتصادی. یک راهنمای محلی، فارغ‌التحصیل بیکار بیوشیمی، در بازدیدی از بنا گفت: «مورالس می‌گفت این سمبل بولیوی نو است. اما نگاه کنید... این چهره واقعی سوسیالیسم است، نه؟». بولیوی، همچون همسایگانش آرژانتین و اکوادور، از موج موسوم به «موج صورتی» فاصله گرفته است؛ جنبش چپ‌گرایی که دو دهه پیش سراسر آمریکای لاتین را فرا گرفت و با وعده برابری اجتماعی و استقلال اقتصادی آغاز شد، اما با تورم، فساد و سوءمدیریت به پایان رسید. تورم، بحران سوخت، اختلافات حزبی و فرسایش اعتماد عمومی، مردم را خسته کرده است. آنها می‌گویند: «به سوسیالیسم رأی دادیم، اما سوسیالیسم شکست خورد». برای درک این تغییر باید به سال ۲۰۰۵ بازگشت؛ زمانی که اوو مورالس، رهبر اتحادیه کشاورزان و چهره‌ای بومی از قوم آیمارا، قدرت را به دست گرفت. او با شعار دفاع از بومیان و مقابله با امپریالیسم غربی محبوب شد و در انتخابات ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ با بیش از ۶۰ درصد آرا پیروز شد، اما در سال ۲۰۱۹، پس از اتهامات گسترده تقلب، مجبور به استعفا و فرار شد. کشور به آشوب کشیده شد، ژانین آنیز، رهبر مخالفان، ریاست موقت را بر عهده گرفت و یک سال بعد حزب مورالس با لوئیس آرسه بازگشت. اتحاد آرسه و مورالس اما به‌سرعت فروپاشید. کودتای نافرجام ژوئن گذشته، به گفته مخالفان، نمایش سیاسی آرسه برای جلب حمایت عمومی بود. مورالس آن را «توطئه‌ای ساختگی» خواند و آرسه را به «خیانت به آرمان انقلاب» متهم کرد. چند ماه بعد، خود مورالس با اتهامات تجاوز و قاچاق انسان مواجه شد. دادستانی گفت او با دختری ۱۵ساله صاحب فرزند شده است. مورالس همه را رد کرد و گفت قربانی «جنگ قضائی بی‌رحمانه» است. اکنون در پناهگاهی جنگلی در شرق کشور، تحت حفاظت کشاورزان کوکا، زندگی پنهانی دارد.

فروپاشی اقتصادی و خشم اجتماعی

در همین زمان، اقتصاد بولیوی سقوط آزاد را تجربه کرد. نرخ تورم در ماه ژوئن از پنج درصد فراتر رفت و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال به ۲۴ درصد برسد؛ بالاترین رقم در سه دهه اخیر. تولید گاز طبیعی -منبع اصلی درآمد کشور- کاهش یافت و ذخایر ارزی به‌سرعت ته کشید. بحران سوخت چنان عمیق شد که رانندگان برای پرکردن باک خود دو روز در صف ماندند. صف‌های طولانی، قیمت بالای مواد غذایی و بیکاری گسترده، زندگی روزمره را فلج کرده است. دوران رونق صادرات گاز در دهه ۲۰۰۰ میلیاردها دلار وارد بولیوی کرد، اما دولت مورالس با هزینه‌های سنگین یارانه‌ای و سوءمدیریت، این ثروت را بر باد داد. امروز بانک مرکزی عملا از دلار تهی است و قیمت کالاهای اساسی در حال انفجار. در بازارهای لاپاز، نان و برنج دو برابر شده و مردم با اسکناس‌های بی‌ارزش به صف‌های طولانی پمپ‌بنزین می‌روند.

پایان میراث مورالس

در چنین فضایی، انتخابات ۱۷ آگوست برای مردم فرصتی بود تا «نه» بزرگی به گذشته بگویند. هیچ نامزدی در دور نخست اکثریت مطلق نداشت. رودریگو پاز با ۳۲ درصد و خورخه «توتو» کیروگا با ۲۷ درصد به دور دوم رفتند. نامزد حزب مورالس فقط سه درصد رأی آورد؛ شکستی تحقیرآمیز برای حزبی که روزی نماد انقلاب بود. پاز در دور دوم با ۵۴.۵ درصد آرا پیروز شد. او نخستین رئیس‌جمهور محافظه‌کار بولیوی در ۲۰ سال اخیر است. پاز، سیاست‌مدار ۵۸ساله، در کشورهای مختلف زندگی کرده و دیدگاهی جهانی دارد. شعار کمپین او «سرمایه‌داری برای همه» بود. او وعده داد بدون وام از صندوق بین‌المللی پول، با کاهش مالیات‌ها، جذب سرمایه و تقویت بخش خصوصی اقتصاد را احیا کند. در مقابل، کیروگا از نسخه سخت‌گیرانه صندوق بین‌المللی پول حمایت می‌کرد که در حافظه جمعی بولیوی یادآور دوران ریاضت و بیکاری بود. همین تفاوت، پیروزی را برای پاز رقم زد.

کاخ شیشه‌ای مورالس اکنون نمادی از فاصله میان توهم دو دهه حکومت سوسیالیستی و واقعیت فروپاشی اقتصادی بولیوی است. مردم بولیوی از شعارهای عدالت‌خواهانه خسته و خواهان نظم و توسعه‌اند

چرخش به غرب و بازسازی روابط

پاز روز بعد از پیروزی گفت: «این گامی بزرگ است؛ بولیوی راه خود را از سوسیالیسم جدا کرد». او وعده داد روابط با آمریکا را بازسازی و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کند. پس از سال‌ها خصومت چپ‌گرایان با واشنگتن، این موضع تغییری چشمگیر بود. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، در بیانیه‌ای گفت پیروزی پاز «فرصتی دگرگون‌کننده برای هر دو ملت» است تا در زمینه سرمایه‌گذاری، مهاجرت و امنیت همکاری کنند. پاز در نشست خبری افزود: «پیام از سوی دولت ترامپ روشن و مثبت است. ما رابطه‌ای روان و مبتنی بر همکاری خواهیم داشت». او همچنین با ماریا کورینا ماچادو، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا و برنده جایزه صلح نوبل، تماس ویدئویی برقرار کرد و گفت: «بولیوی به نبرد برای آزادی ونزوئلا و دموکراسی‌های آمریکای لاتین می‌پیوندد». این گفت‌وگو نمادی از تغییر ژئوپلیتیک منطقه و فاصله‌گیری بولیوی از نیکلاس مادورو بود. پاز همچنین تأیید کرد در حال مذاکره با آمریکا و «دیگر کشورهای دوست» است تا واردات بنزین و گازوئیل از سر گرفته شود. او گفت: «فرایند آغاز شده است. ما هماهنگی می‌کنیم تا سوخت برسد و آرامش به مردم بازگردد».

آزمون دولت تازه

پاز دولتی را تحویل می‌گیرد که خزانه خالی، بدهی بالا و نهادهای فرسوده دارد. کارشناسان می‌گویند اگر بتواند ثبات مالی را بازگرداند، بولیوی می‌تواند به یکی از متحدان کلیدی واشنگتن بدل شود. بولیوی با هم‌پیمانی احتمالی با دولت‌های راست‌گرای آرژانتین و اکوادور، در آستانه شکل‌دهی به محور جدیدی از محافظه‌کاران است. این «موج آبی» در حال جایگزینی «موج صورتی» چپ‌گرایان است که سال‌ها نماد قدرت در آمریکای لاتین بود. پاز روز بعد از پیروزی فاش کرد که در حال گفت‌وگو با دولت آمریکا و «چند کشور دوست دیگر» است تا واردات سوخت از سر گرفته شود. «فرایند آغاز شده است. ما هماهنگی می‌کنیم تا بنزین و گازوئیل برسد و آرامش به مردم بازگردد». او گفت برنامه‌ای برای کاهش تدریجی یارانه‌ها دارد تا دولت را از کسری بودجه نجات دهد و بخش خصوصی را دوباره فعال کند. تحلیلگران منطقه‌ای پیروزی پاز را بخشی از تغییر گسترده‌تر در نقشه سیاسی آمریکای لاتین می‌دانند. به گفته لئوناردو کوتینیو، کارشناس آمریکای لاتین، «بولیوی با منابع غنی لیتیوم، گاز و نقره در مرکز رقابت شرق و غرب است. پیوند با واشنگتن می‌تواند جایگاه جدیدی برای این کشور ایجاد کند». با پیوستن احتمالی بولیوی به محور راست‌گرای آرژانتین و اکوادور، موج تازه‌ای از محافظه‌کاران در حال شکل‌گیری است. در بولیوی اما مردم هنوز زخم‌خورده‌اند؛ فقر، بیکاری و تورم زندگی را دشوار کرده است. یک راننده در لاپاز می‌گوید: «ما عدالت نمی‌خواهیم اگر معنایش صف بنزین باشد. فقط می‌خواهیم زندگی کنیم». خیابان‌ها آرام‌ترند اما انتظار از دولت جدید بالاست. بولیوی از دوران شعار و انقلاب عبور کرده و به دنبال ثبات و قانون است.

خستگی از شعار، میل به ثبات

در بولیوی امروز، نشانه‌های تغییر عمیق اجتماعی آشکار است. مردم از شعارهای انقلابی خسته‌اند. خیابان‌های شهر دیگر پر از پرچم‌های قرمز حزب مورالس نیست؛ رنگ آبی محافظه‌کاران جای آن را گرفته است. ناظران بین‌المللی می‌گویند مسیر بازسازی طولانی خواهد بود، اما جهت حرکت روشن است؛ نظم، ثبات، قانون و بازگشت اعتماد. بولیوی پس از دو دهه سوسیالیسم، آماده بازسازی خویش است؛ نه با شعار، بلکه با واقع‌گرایی.

از نوتردام تا لوور؛ تکرار حس زوال در فرانسه امروز

شکوهی که می‌سوزد

شرق: پاریس هنوز در شوک است. سرقتی که فقط هفت دقیقه طول کشید، موزه‌ای را هدف گرفت که خود نماد شکوه و میراث ملت فرانسه است. این بار، حمله نه به یک بانک یا طلافروشی، بلکه به غرور ملی صورت گرفت. لوور، پناهگاه میراث فرهنگی جهان، حالا به فهرست طولانی و بلندبالای ارزش‌هایی پیوسته که دولت فرانسه دیگر نمی‌تواند از آنها محافظت کند.

دزدان با استفاده از جرثقیل بالابر، از سمت رود سن به پنجره‌های گالری آپولون دست یافتند؛ تالاری باشکوه که در قرن هفدهم برای لویی چهاردهم ساخته شد و جواهرات سلطنتی فرانسه در آن نگهداری می‌شد. آنان ویترین‌ها را شکستند و پیش از حضور پلیس با موتورسیکلت گریختند. در میان اشیای ربوده‌شده، تاج امپراتریس اوژنی، همسر ناپلئون سوم، با هزارو ۳۵۴ الماس درخشان و ۵۶ زمرد می‌درخشید. ساعتی بعد، تاج خردشده در خیابانی نزدیک موزه پیدا شد؛ گویی دزدان در شتاب فرار، نماد شکوه گذشته را بر سنگفرش پاریس انداخته بودند. این رویداد فقط دزدی نبود؛ نمایش فروپاشی اقتدار بود. فرانسه نه‌تنها از جواهرات خود، بلکه از حس امنیت و غرور ملی‌اش هم تهی شد. در سال‌های اخیر، موج خشونت و سرقت در سراسر کشور به امری عادی تبدیل شده است؛ از شورش‌های خیابانی گرفته تا غارت فروشگاه‌ها. هفته گذشته در نزدیکی لوور، کنسرتی رپ به آشوب کشیده شد. اکنون بسیاری از شهروندان این سرقت را نشانه‌ای از کشوری می‌دانند که دیگر قانون را اجرا نمی‌کند؛ دولتی که نمی‌تواند از مردمش محافظت کند، نه در خیابان‌ها، نه در خانه‌ها و حالا حتی نه از گنجینه‌های ملی خود. راشیدا داتی، وزیر فرهنگ، ساعتی پس از شنیدن خبر، به همراه مأموران پلیس خود را به موزه رساند. لوران نونِز، وزیر کشور، وعده بازداشت سریع عاملان را داد، اما تاکنون هیچ پیشرفتی گزارش نشده است. در همین حال، ژوردان باردلا، رهبر حزب «اجتماع ملی»، در شبکه ایکس نوشت: «این یک تحقیر غیرقابل تحمل برای کشور ماست. تا کجا باید شاهد فروپاشی دولت باشیم؟». ماجرا به‌سرعت رنگ سیاسی گرفت و به بحثی داغ درباره ضعف ساختارهای امنیتی دولت انجامید. این سرقت دو اضطراب قدیمی فرانسه را در هم آمیخت؛ ناامنی و افول. از آتش‌سوزی کلیسای نوتردام در ۲۰۱۹ تا شورش‌های خیابانی اخیر، احساس مشترک فروپاشی در جامعه موج می‌زند. همان‌گونه که پاریسی‌ها روز سوختن نوتردام را با اشک بر پل‌های سن تماشا کردند، اکنون نیز با ناباوری به این توهین ملی می‌نگرند. خشم و اندوه به هم آمیخته و حس ناتوانی در برابر زوال اعتماد عمومی را تقویت کرده است.

هشدارهایی که نادیده ماند

گزارش داخلی لوور در بهار امسال، کمبود نیرو و کهنگی سامانه‌های هشدار را یادآور شده بود. مدیران موزه بارها درخواست بودجه برای ارتقای امنیت داده بودند، اما وزارت فرهنگ به کندی واکنش نشان داد. در کاخ ورسای و موزه اورسه نیز شب‌کاری‌ها کاهش یافته و پست‌های نگهبانی حذف شده‌اند. لوور در حقیقت بی‌دفاع مانده بود و دزدان فقط واقعیتی آشکار را ثابت کردند. ماه گذشته نیز از موزه تاریخ طبیعی پاریس طلاهای ارزشمندی به سرقت رفت؛ سرقتی با اره‌برقی و مشعل حرارتی که یادآور حمله‌ای صنعتی به قلب علم و فرهنگ بود. در کلیساهای سراسر کشور نیز ربودن آثار مذهبی به رخدادی عادی بدل شده است. این مجموعه حوادث برای فرانسوی‌ها معنایی فراتر از جرم دارد؛ نشانه‌ای از سستی بنیادهای مدنیت و بی‌اعتمادی به کارایی حکومت. گالری آپولون، با طاق‌های طلایی و پرتره‌های سلطنتی‌اش، تجسم اطمینان و استمرار فرانسه بود. اما اکنون همان مکان یادآور اضطراب ملی است. در میانه بن‌بست سیاسی، افزایش جرم و سقوط اعتماد عمومی، این سرقت به استعاره‌ای از ناتوانی دولت بدل شده است. کشوری که دیگر نمی‌تواند از زنان در خیابان، مغازه‌داران در حومه یا گنجینه‌های فرهنگی خود دفاع کند، با بحران هویت روبه‌رو است. واکنش عمومی ترکیبی از ناباوری، شرم و اندوه است؛ زخمی بر روح ملت، فراتر از شکستن ویترین‌ها. جواهرات سلطنتی فرانسه، از انقلاب و تبعید تا امپراتوری و بازسازی، از توفان‌های تاریخ جان به در برده بودند. بخشی فروخته و بخشی بازخرید شد و آنچه باقی ماند، در لوور به نمایش درآمد؛ نماد آشتی جمهوری با گذشته سلطنتی‌اش. اکنون همین نماد، در برابر چشمان جهانیان خرد شده است؛ تصویری تلخ از کشوری که روزی مهد نظم و شکوه بود و امروز در جست‌وجوی اقتدار ازدست‌رفته خود می‌گردد.

گزارش

تاکائیچی بر مسند قدرت

شرق: پارلمان ژاپن روز سه‌شنبه به سانائه تاکائیچی، سیاست‌مدار محافظه‌کار حزب لیبرال‌دموکرات، رأی اعتماد داد تا نخستین زن در تاریخ این کشور باشد که به مقام نخست‌وزیری می‌رسد. این رأی پس از توافق تازه حزب او با متحد جدیدش، حزب نوآوری ژاپن، صادر شد و به سه ماه بلاتکلیفی سیاسی در توکیو پایان داد.

این رأی تاریخی ژاپن را از بن‌بست سیاسی بیرون آورد. تاکائیچی ۶۴ساله جای شیگرو ایشیبا را گرفت که پس از فقط یک سال زمامداری، همراه کابینه‌اش استعفا داد. او در نخستین سخنرانی خود وعده داد ثبات، انضباط مالی و بازسازی اعتماد عمومی را در محور کار دولت خود قرار دهد و گفت: «بدون ثبات، اقتصاد قوی یا دیپلماسی مؤثر ممکن نیست».

تاکائیچی در فضایی پرتنش سیاسی به قدرت رسید. شکست حزب لیبرال‌دموکرات در انتخابات جولای، ائتلاف دیرینه‌اش با حزب بودایی کومیتو را از میان برد. این جدایی می‌توانست راه را برای تغییر قدرت باز کند، اما تاکائیچی با سرعت وارد مذاکره با حزب نوآوری ژاپن شد؛ حزبی مستقر در اوساکا که گرایش‌های اقتصادی و امنیتی مشابهی دارد. این ائتلاف تازه اگرچه اکثریت قاطع در دو مجلس ندارد، اما مسیر تشکیل دولت را هموار کرد. او اعلام کرد دولتش بر دو محور اصلی حرکت خواهد کرد؛ احیای رشد اقتصادی و تقویت توان بازدارندگی دفاعی. تاکائیچی از نزدیکان سیاسی شینزو آبه، نخست‌وزیر فقید ژاپن، است و گفته می‌شود در سیاست‌های اقتصادی و نظامی همان مسیر را دنبال خواهد کرد. رسانه‌های داخلی پیش‌بینی کرده‌اند تارو آسو، یکی از بانفوذترین چهره‌های حزب، نقش محوری در دولت تازه خواهد داشت.

رهبران دو حزب حاکم در مراسم امضای توافق سیاسی تأکید کردند که هدف مشترکشان «احیای اعتماد عمومی» است. تاکائیچی گفت دولتش تا پایان سال بسته‌ای برای مهار تورم و کاهش هزینه‌های خانوار ارائه خواهد کرد. هم‌زمان قرار است در نشست‌های بین‌المللی ازجمله دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ و اجلاس منطقه‌ای شرق آسیا شرکت کند؛ آزمونی برای سنجش توان دیپلماتیک او در نخستین ماه‌های زمامداری.

با وجود دیدگاه‌های محافظه‌کارانه در موضوعاتی همچون ساختار خانواده، نظام سلطنتی و بازنگری قانون اساسی، تاکائیچی در ماه‌های اخیر کوشیده چهره‌ای میانه‌روتر از خود نشان دهد. در سالگرد پایان جنگ جهانی دوم، او برخلاف رویه گذشته، به زیارتگاه یاسوکونی نرفت و فقط هدیه‌ای مذهبی ارسال کرد؛ اقدامی که تحلیلگران آن را نشانه‌ای از تمایل به کاهش تنش با همسایگان شرقی دانسته‌اند.

اگرچه چالش‌های سیاسی و اقتصادی پیش‌روی او سنگین است، انتخاب تاکائیچی نه‌تنها نخست‌وزیری جدید، بلکه لحظه‌ای نمادین در تاریخ ژاپن محسوب می‌شود؛ کشوری که پس از دهه‌ها سلطه مردان بر قدرت، اکنون نخستین رهبر زن خود را بر مسند سیاست می‌بیند، در زمانی که نیاز به ثبات بیش از هر دوره‌ای احساس می‌شود.

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لواسانات
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۸۰۰۳۰۳۵ مورخ ۱۴۰۴.۶.۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لواسانات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فتاح هدایت نیا به شناسنامه شماره ۳ کد ملی ۲۲۵۹۸۷۴۷۹۷ صادره سوادکوه فرزند رمضان در شش دانگ یک قطعه باغ با کاربری کشاورزی به مساحت ۱۴۵.۶۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱ فرعی از ۳۸ اصلی واقع در قریه اتباج بخش ۱۱ تهران حوزه ثبت ملک لواسانات محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۴۳۰۱ اداره ثبت اسناد و املاک لواسانات (تهران)

برگ کمپانی و برگ سبز سند مالکیت خودرو سواری
دنا EF7-TCA رنگ مشکی به نام آقای **علی بهزادی پور**
به شماره شاسی: NAAW۶۱HU۵NE۵۶۵۷۷۴
و شماره موتور: ۱۵۳H۰۰۶۴۷۲۷ و شماره پلاک انتظامی
۴۰ ایران ۹۹۸ ه ۱۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR
www.sharghdaily.ir